ایثار و مقاومت
ارتباط باما ۸۸۴۹۸۴۸۱

۲ مورد از مؤلفه‌های قدرت ارتش بعث در گفت‌وگوی «جوان» با چند رزمنده دفاع مقدس

ارتشی که ۸ سال با ما جنگید ضعیف نبود

علیرضا محمدی

شاید دیدن برخی فیلم‌های سینمایی در خصوص دفاع مقدس، این تصور را بین قشرهایی از مردم ایجاد کند که ارتش بعث عراق چندان قوی نبود و صرفاً با اتکا به سلاح‌ها و کمک‌هایی که از غرب و شرق دریافت می‌کرد، می‌توانست در برابر رزمندگان کشورمان بجنگد. هرچند داشتن تسلیحات مدرن از مهم‌ترین برگ‌های برنده دشمن به شمار می‌رفت، اما این واقعیت را هرگز نباید فراموش کنیم که خود ارتش عراق نیز در میان ارتش کشورهای عربی به انسجام، نظم و داشتن نیروی زرهی قوی معروف بود. در گفت‌وگویی که با چند رزمنده دفاع مقدس انجام دادیم سعی کردیم نگاهی به دو مورد از مؤلفه‌های قدرت ارتش بعث عراق (زرهی و استراتژی نظامی) بیندازیم.

نیروی زرهی عراق

عراقی‌ها همواره از نیروی زرهی‌شان در طول جنگ به خوبی استفاده می‌کردند. ساختار ارتش آنها از شوروی سابق اقتباس شده بود و نیروی زرهی و خصوصاً تانک‌های خانواده تی (تی ۵۴، تی ۵۵، تی ۶۲ و...) در این ارتش به خوبی استفاده می‌شدند. امیر مهرابی از نظامیان باسابقه ارتشی می‌گوید: «عراقی‌ها از همان ابتدای جنگ تحمیلی از نیروی زرهی‌شان در حد وسیعی استفاده می‌کردند. این نیروها به خوبی آموزش دیده بودند و تاکتیک‌ها و استراتژی‌های جنگی را می‌شناختند. اگرچه دشمن در اوایل جنگ از تانک‌های نسبتاً قدیمی استفاده می‌کرد ولی خیلی زود تانک‌هایی مثل T۷۲ را از شوروی خریداری کرد که در زمان خود از پیشرفته‌ترین خودروهای زرهی جهان به شمار می‌رفت. خود من در عملیات فتح‌المبین با یکی از تانک‌های غنیمتی عراقی روبه‌رو شدم که از فرط نو بودن احساس می‌کردم انگار تازه از کارخانه خارج شده و همین الان به عراقی‌ها تحویل داده شده است.»

سرهنگ یعقوبعلی بلوکی نیز می‌گوید: «اینکه در فیلم‌ها نشان می‌دهند دشمن با چند تانک به خط خودی می‌زند و ما هم با آنها مقابله می‌کنیم، اصلاً این‌طور نبود. در برخی عملیات‌ها می‌دیدیم دشمن با ۳۰۰ تانک پاتک می‌زد که به لحاظ نظامی رقم واقعاً بالایی است. نحوه مانور این تانک‌ها، اقدام هماهنگ‌شان، تاکتیک‌هایی که به کار می‌بردند و... همگی نشان می‌داد که نباید فقط نگران تعداد بالا و نوع پیشرفته‌شان باشیم، بلکه سرنشینان این تانک‌ها نیز آدم‌های آموزش‌دیده و ماهری بودند.»

تاریخچه نه چندان طولانی ارتش عراق نشان می‌دهد که تعدادی از واحدهای زرهی این کشور در جریان جنگ‌های اعراب با اسرائیل به خط مقدم نبرد فرستاده شده بودند. جنگ ۱۹۷۳ یکی از این موارد بود که هرچند به شکست اعراب انجامید اما تجربه حضور در بلندی‌های جولان را به نبرد ارتش بعث عراق با ایران اسلامی، انتقال داد.

در شروع جنگ تحمیلی، با وجود کاستی‌هایی که قوای نظامی کشورمان به خاطر آشفتگی‌های اوایل انقلاب داشت، عراق توانسته بود با ۲۷۵۰ دستگاه تانک، ۲۵۰۰ دستگاه وسیله نقلیه زرهی یک نیروی زرهی قوی و آماده را مهیا کند که در قالب ۱۲ لشکر و ۲۴ تیپ زرهی و پیاده آماده نبرد بودند.

استراتژی نظامی

سردار فتح‌الله جعفری در یک سخنرانی می‌گوید: «در عملیات رمضان ما با پدیده‌های جدیدی مثل سنگرهای مثلثی روبه‌رو شدیم. در برخی عملیات‌ها می‌دیدیم دشمن با ۳۰۰ تانک پاتکِ می‌زد که به لحاظ نظامی رقم واقعاً بالایی است. نحوه مانور این تانک‌ها، اقدام هماهنگ‌شان، تاکتیک‌هایی که به کار می‌بردند و... همگی نشان می‌داد که نباید فقط نگران تعداد بالا و نوع پیشرفته‌شان باشیم، بلکه سرنشینان این تانک‌ها نیز آدم‌های آموزش‌دیده و ماهری بودند

برخی از فرماندهان این طور عنوان می‌کردند که عراقی‌ها این نوع آرایش دفاعی را از صهیونیست‌ها اقتباس کرده‌اند، هرچند که بعید نیست آنها از وجود مستشاران نظامی خارجی بهره می‌بردند اما ما نباید چشم بر این واقعیت می‌بستیم که بعثی‌ها از دانشگاه جنگ برخوردار بودند و از عملیات مختلف ما و خودشان درس‌ها می‌گرفتند و با طرح این موارد در دانشگاه جنگ خودشان، سعی می‌کردند راهکاری برای آن اتخاذ کنند و به سرعت نیز راهکارهای خود را عملیاتی می‌کردند.»

استراتژی دفاع متحرک یکی از تاکتیک‌هایی بود که عراقی‌ها در اوایل سال ۱۳۶۵ از آن بهره بردند. آنها پس از اینکه در عملیات بزرگ سالانه ایرانی‌ها نظیر خیبر، بدر و نهایتاً والفجر۸، ضربات بسیاری خوردند، تصمیم گرفتند با تغییر استراتژی دفاع ثابت به دفاع متحرک، حملات برق‌آسایی را در طول مرزهای کشورمان طرح‌ریزی کنند و با وارد کردن ضرباتی به خطوط دفاعی کشورمان (و حتی نفوذ در برخی از این بخش‌ها) ایرانی‌ها را آن قدر سرگرم کنند که فرصت تجهیز و آماده‌سازی نیروهای‌شان برای عملیات بزرگ سالانه دیگر را نداشته باشند. هرچند استراتژی دفاع متحرک با عملیات کربلای یک بی‌اثر و با کربلای ۴ و ۵ به کلی به فراموشی سپرده شد ولی نشان داد که بعثی‌ها حتی در ضعف نیز دست روی دست نمی‌گذاشتند و با طرح‌های نو، سعی می‌کردند شکست‌های خود در جبهه‌ها را جبران کنند.

> در برخی عملیات‌ها می‌دیدیم دشمن با ۳۰۰ تانک پاتکِ می‌زد که به لحاظ نظامی رقم واقعاً بالایی است. نحوه مانور این تانک‌ها، اقدام هماهنگ‌شان، تاکتیک‌هایی که به کار می‌بردند و... همگی نشان می‌داد که نباید فقط نگران تعداد بالا و نوع پیشرفته‌شان باشیم، بلکه سرنشینان این تانک‌ها نیز آدم‌های آموزش‌دیده و ماهری بودند

وادی کتاب

معرفی کتاب «تا پلاک ۱۴۰»

خاطرات جنگ از زبان اصحاب فرهنگ

غلامحسین بهبودی

کتاب «تا پلاک ۱۴۰» مجموعه خاطراتی از دوران دفاع مقدس است که در یک ابتکار جالب، این‌بار خاطرات را کسانی تعریف می‌کنند که خود اهل قلم هستند و کتاب‌ها و اشعار بسیاری را در این حوزه خلق کرده‌اند. خانم آذر خزاعی سرچشمه این کتاب را نگاشته و نشر صریر نیز آن را به چاپ رسانده است. با هم نگاهی به داشته‌های کتاب می‌اندازیم.

«تا پلاک ۱۴۰» مجموعه خاطراتی است که خواننده با مطالعه آن، علاوه بر خواندن چندین خاطره از دوران دفاع مقدس، با اصحاب قلم، شاعران و نویسندگان حوزه دفاع مقدس نیز که در واقع راویان این خاطرات هستند آشنا می‌شود؛ جعفر ابراهیمی، حبیب احمدزاده، حسن احمدی، محمدکاظم اخوان، اصغر استادحسن معمار، گلعلی بابایی و چند چهره دیگر، از جمله شاعران و نویسندگان بنام حوزه دفاع مقدس هستند که در کنار چندین نفر دیگر، راویان این اثر به شمار می‌روند.

نویسنده سعی کرده در هر بخش علاوه بر ذکر خاطره هر راوی، به معرفی او بپردازد. به عنوان نمونه در بیان خاطره‌ای کوتاه از زبان حسین اسرافیلی، در ابتدا ما با مشخصات اولیه او نظیر سن، شهر محل تولد، تحصیلات و همین طور کتاب‌هایی که نگاشته آشنا می‌شویم و سپس بدون مقدمه، اسرافیلی خاطره خود را تعریف می‌کند: «در اوایل جنگ تحمیلی که «فاو» با رشادت رزمندگان اسلام به دست سپاه اسلام افتاده بود، گروهی از هنرمندان شاعر از جمله دکتر سیدحسن حسینی و دکتر قیصر امین‌پور و ساعد باقری و سلمان هراتی و وحید امیری و سهیل محمودی و اینجانب و آقای زم و... سفری به فاو داشتیم... رزمندگان عزیز اصرار داشتند که به دلیل خطر و بمباران شدید فاو توسط دشمن از این سفر صرف‌نظر کنیم اما اصرار بر انجام آن از سوی شاعران، باعث شد بعد از نوشتن وصیتنامه سفر انجام گیرد...»

در کتاب تا پلاک ۱۴۰ هر راوی یک خاطره کوتاه تعریف می‌کند. بیشتر جذابیت‌های کتاب علاوه بر خاطره‌ای بودن آن، روایتگران را در تعریف خاطره داشته باشد و کمتر در این خاطرات دخل و تصرف کرده است. حتی برخی از این راوی‌ها به جای تعریف خاطره، برشی از کتاب‌های خودشان را ارائه داده‌اند. خاطره گلعلی بابایی از این دست است.

در ذیل خاطرات بابایی می‌خوانیم: «رنگ‌های سرخ و طلایی، در آبی ارغوانی آسمان، ساکت و آرام، غوغا به پا کرده‌اند. خورشید، با پرتاب آخرین پرتو خود، در آسمان ناپدید می‌شود. چه غروب دلگیری است. سکوت غم‌افزایی در سراسر خط جاری است و گهگاهی سوت سرکش خمپاره‌ای سرگردان که بر مواضع ما فرود می‌آید، این سکوت را می‌شکند. تانک‌های دشمن، نورافکن‌هایشان را به سمت خاکریز ما روشن می‌کنند و غرش موتور تانک‌ها، از دور شنیده می‌شود...»

من حیث‌المجموع می‌توانیم علاوه بر آنکه کتاب «تا پلاک ۱۴۰» را در دسته خاطره‌نویسی قرار بدهیم، به دلیل وجود نام و یاد نویسندگان و شاعران دفاع مقدس، می‌توانیم این کتاب را مجمعی قابل برای شناخت ادیبان و شاعران این حوزه به شمار آوریم. به این معنی که خواننده می‌تواند با خواندن این اثر، با تعداد زیادی از نویسندگان حوزه دفاع مقدس آشنا شود.

در پایان بخشی از کتاب به روایتگری پرویز بیگی حبیب‌آبادی را پیش رو دارید. با این توضیح که حبیب‌آبادی شعر «یاران چه غریبانه رفتند از این خانه» را سراییده است: «من، حسام‌الدین سراج، کاظم چلیپا، محسن نفر، دکتر قیصر امین‌پور، محمدعلی مردانی و تعداد دیگری از دوستان به همراه خانم سپیده کاشانی، سیمیندخت وحیدی و... آماده رفتن به جبهه شدیم. ۲۸ آذر ۶۰ از حوزه هنری به ایستگاه راه‌آهن رفتیم... اولین صحنه‌ای که از جنگ دیدم کامیون ریوی ارتش بود که اجساد روی هم گذاشته شده شهدا به قدری زیاد بودند که پای برخی از آنها از کامیون بیرون زده بود و با هر بار حرکت کامیون، مقداری خون به روی زمین می‌ریخت و دو نیمکت اطراف کامیون نیز سربازان زخمی نشسته بودند...»

خاطرات است که اغلب آنها نام‌آشنای خوانندگان و علاقه‌مندان حوزه دفاع مقدس هستند. ظاهراً سهم هر راوی یک خاطره است، هرچند که برخی از آنها ترجیح داده‌اند دو یا سه خاطره را تعریف کنند و نویسنده به آنها آزادی عمل داده تا هر کدام سبک خودش

طراح: علیرضا سجادی‌فر ■ شماره ۵۹۲۴

یادکرد

۲۰ اردیبهشت سالروز شهادت «علی‌اصغر بشکیده»

فرمانده گردان عمار گمنامی‌اش را از خدا خواسته بود

آرمان شریف

شاید نام شهید «علی‌اصغر بشکیده» برای بسیاری از مردم نامی آشنا نباشد. او فرماندهی جوان بود که در سال‌های ابتدایی جنگ به شهادت رسید و مجال برای پرداختن به نام و یادش کمتر پیش آمد. برخی از بچه‌های لشکر ۲۷ شهید بشکیده را گمنام‌ترین فرمانده گردان عمار می‌دانند. فرمانده‌ای که در منش و روش مثال‌زدنی بود و آنها که با او همرزم و رفیق بودند بر وارستگی و نیک‌سیرتی این شهید تأکید می‌کنند.

ترکیب جهاد و اندیشه

دفاع مقدس که در سال ۱۳۵۹ شروع شد، علی‌اصغر ۲۱ ساله بود. شهید بشکیده با کوله‌باری از درس‌های شهید مطهری و دکتر شریعتی به جبهه آمده بود. استاد مطهری

> شهید بشکیده پیش از شهادتش نوشته بود: «صحبت زیاد داشتم ولی همین راز و نیاز شهید چمران را که مطالعه کردم خیلی چیزها درونش نهفته بود و ما هم از سوز دلمان و آن چیزی که بر دلمان نشست، گفتیم.»

که به شهادت رسید، وضع روحی علی‌اصغر مساعد نبود. به خانه که آمد مستقیم به اتاقش رفت و با حالی ناراحت و گرفته به خانواده و دوستانش می‌گفت استاد شهید را کشتند. او ترکیبی از علم و عمل بود و جهاد را با اندیشه درمی‌آمیخت و عمل می‌کرد.

عملیات الی بیت‌المقدس اوج هنرنمایی شهید در جبهه‌ها بود. علی‌اصغر در عملیات «الی بیت‌المقدس»، پس از مجروحیت حاجی‌پور، فرماندهی گردان «عمار یاسر» را برعهده گرفت. این فرمانده دلاور بی‌هیچ هراسی به دنبال موفقیت در این عملیات مهم و سرنوشت‌ساز بود. او و همرزمانش هم‌قسم شده بودند تا خرمشهر را آزاد و دل امام را شاد کنند. آنها برای آزادی خرمشهر حتی حاضر بودند از جان‌شان بگذرند و در واقع این حرف‌شان را به درستی اثبات کردند. در گرمای جنوب زیر آتش سنگین دشمن قدم به قدم پیش می‌رفتند و سرزمین‌مان را از اشغال دشمن خارج می‌کردند.

شهید در جنگی نابرابر، در مقابل تانک‌های تی-۷۲ دشمن قرار گرفت و با این حال نیروهایش را به سمت دژ مرزی هدایت کرد تا ضمن انهدام بخش وسیعی از ادوات زرهی دشمن، زمینه محاصره کامل خرمشهر فراهم آید. متن مکالمات بیسیم فرمانده گردان عمار با سایر فرماندهان در جریان عملیات آزادسازی خرمشهر به خوبی نشان از کار سخت آنان در جبهه‌های نبرد علیه دشمن بعثی دارد. شهید در بخشی از صحبت‌هایش با شهید محمود شهبازی، جانشین لشکر ۲۷ چنین می‌گوید: «من روی خاکریز هستم. اگر بخواهم روی جاده بروم بچه‌های خودی به اشتباه مرا می‌زنند. الان هم توی محاصره هستم. نارنجک‌هایم تمام شده، فشنگ‌هایم تمام شده، بچه‌ها گلوله آر.پی.جی‌شان تمام شده. بچه‌ها دارند قتل عام می‌شوند. به چراغی [فرمانده گردان حمزه] بگو بچه‌هایش را توجیه کند به سمت ما شلیک نکنند. ما از همه طرف داریم می‌خوریم. من الان روی خاکریز هستم...»

طلب گمنامی از خدا

فرمانده گردان عمار همچون دیگر فرماندهان تا آخرین لحظه در صحنه نبرد حضور داشت و کنار نیروهایش می‌جنگید. در حالی که چند روز بیشتر تا آزادی خرمشهر و شنیدن این خبر مهم و بزرگ به مردم نمانده بود، چندین ترکش به شهید بشکیده اصابت کرد و او را غرق به خون روی زمین انداخت.

پیکر غرق در خون فرمانده ۱۴ روز در حومه خرمشهر ماند. دسترسی به پیکر برای نیروها میسر نبود و آنها باید راه فرمانده شهیدشان را ادامه می‌دادند تا خرمشهر آزاد شود. پس از دو هفته وطی جنگی سخت، دشمن بعثی مجبور به عقب‌نشینی شد.

شهید بشکیده پیش از شهادتش نوشته بود: «صحبت زیاد داشتم ولی همین راز و نیاز شهید چمران را که مطالعه کردم خیلی چیزها درونش نهفته بود و ما هم از سوز دلمان و آن چیزی که بر دلمان نشست، گفتیم.» او همچنین در گمنامی ماندن را از خداوند خواسته بود و در وصیتنامه‌اش در متنی جانسوز چنین نوشته بود: «خدایا دوست دارم که تنها و گمنام باشم تا در غوغای کشمکش‌های پوچ مدفون نشوم. خدایا دردمندم، روحم از زیادی درد می‌سوزد، قلبم می‌تپد، احساسم شعله می‌کشد، تمام اعضایم از شدت درد فریاد می‌کشد. تو مرا در بستر مرگ آسایش بخش. خسته شده‌ام، دلشکسته‌ام، ناامید شدم، دیگر آرزویی ندارم، احساس می‌کنم که دنیا جای من نیست، می‌خواهم تنها با خدا باشم، با همه وداع کنم، خدایا تو خودت می‌دانی که همه مرا از خود رانده، ولی امیدم به توست که همه را می‌خواهی.»

جدول

از راست به چپ

■ ۱- بین دو پرده نمایش- بنگاه، سازمان ■ ۲- انبار گندم- رایزنی- نظرات ■ ۳- شکاف سر قلم- ناشنوا- سپهبد خارجی ■ ۴- مروارید- خالص- صفت عدد- جمع منبر ■ ۵- دیبا و حریر- کشتن با نیت قبلی- پارگی جامه ■ ۶- دلایل- از اسامی پسران- بنده و شما ■ ۷- ظرف آبخوری- غوزه پنبه- سست و وارفته- حمام یک نفره ■ ۸- خودروی باری سنگین- سنجش ■ ۹- ایستگاه قطار- ویتامین جدولی- غذای پرطرفدار- از مرگ‌آورترین ویروس‌های دنیا ■ ۱۰- دختر کارتونی- بهشت- امامزاده‌ای نزدیک رشت ■ ۱۱- بانگ نهیب- اختفا و پنهان‌سازی- کیف مسافرتی ■ ۱۲- برادر- شبیه و نظیر- زدنی خودستا- رمق آخر ■ ۱۳- اثر موسیقایی یک ارکستر- ضمیر اشاره- سوا ■ ۱۴- خودروی فرانسوی- آماده‌شدن خمیر- مهم‌ترین شعبه نژاد سفید ■ ۱۵- کوچک‌ترین واحد اجتماعی- ابزار مکانیکی

از بالا به پایین

■ ۱- برهان و حجت- از آثار و ابنیه تاریخی مراغه ■ ۲- همدم چوپان- علامت جذر در ریاضی- معتمدان ■ ۳- هدررفتن- شهر رئیسعلی- دوگوشی فرهنگستان ■ ۴- کله‌پز- در فرهنگ لغت به معنی شورانگیز آمده است- نام قدیم مشکین‌شهر ■ ۵- منطقه حفاظت‌شده- فلز سکه‌زنی- سامع ■ ۶- اندک- بی‌احترامی- سازمان جهانی مبارزه با دوپینگ- پدر ادریس نبی ■ ۷- از ملزومات ورزش کشتی- شهر پلیس بین‌المللی- مرجان ■ ۸- لرزش و رعشه- رسم‌کردن ■ ۹- ضمیر بی حضور- ایمن- اراده و خواست خدا- نوعی برنج ■ ۱۰- ملایم و لطیف- پایتخت سوریه- اسم- تکرار حرفی ■ ۱۱- در بازار بورس خرید و فروش می‌شود- مردن بر اثر حادثه- پیش‌درآمد گنج ■ ۱۲- تکاور- یار مشهدی- مسیر حرکت سیارات ■ ۱۳- نام کمال، نویسنده بنام ترکیه‌ای- احساس آزاردهنده- گندم سوده‌شده ■ ۱۴- خاک- از شهرهای استان زنجان- تصدیق انگلیسی ■ ۱۵- علف گربه- وسایل و شرایط مناسب برای انجام کاری

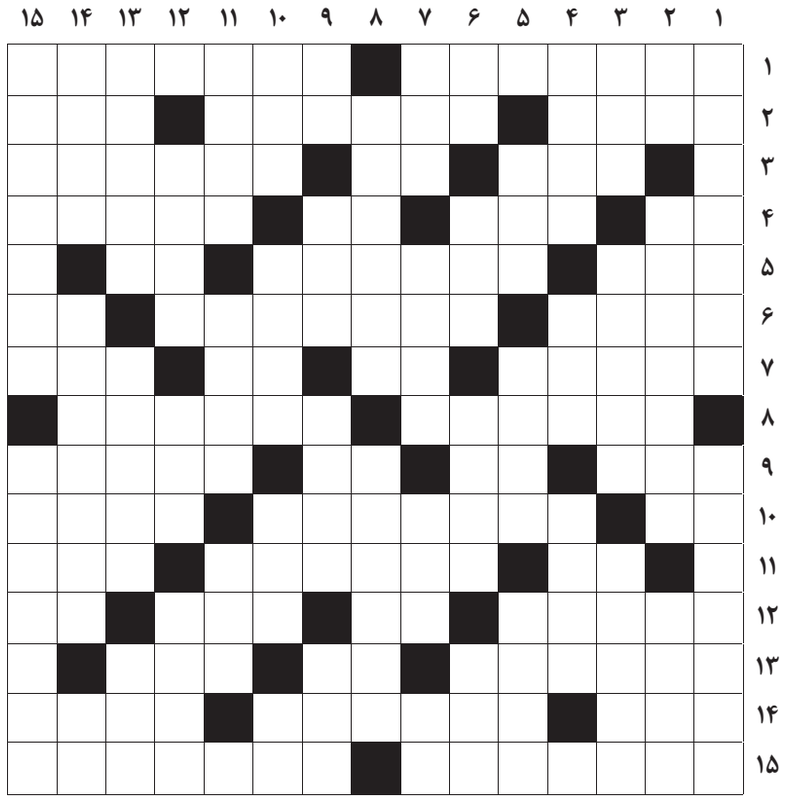

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۹			۲	۶		۸		۵
۳								
				۷	۹			۲
	۹	۵						
	۴		۹		۲			
						۶	۴	
			۷	۵	۸			
						۵	۶	
	۲	۸						

۶	۸	۴	۵	۶	۱	۷	۴	۹
۷	۵	۹	۴	۴	۴	۶	۱	۸
۱	۴	۶	۷	۹	۸	۴	۵	۴
۶	۴	۵	۹	۱	۷	۸	۴	۴
۸	۹	۱	۴	۴	۶	۵	۴	۷
۴	۷	۴	۸	۴	۵	۹	۶	۱
۴	۴	۴	۶	۸	۹	۱	۷	۵
۵	۶	۸	۱	۷	۴	۴	۹	۴
۹	۱	۷	۴	۵	۴	۴	۸	۶

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۹۲۳

	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ی	م	و	ن	و	ر	ت	س	ا	■	ه	ی	د	ک	پ
۲	ا	ه	د	■	ل	ز	ن	ت	■	ا	د	ه	ک	ا	ر
۳	ن	د	■	ر	ی	ا	ب	■	ق	ر	خ	■	ه	ب	چ
۴	ه	■	ن	ا	م	ز	■	ن	ا	ل	ی	گ	■	ل	ع
۵	■	ت	ی	ی	ه	■	ا	د	ا	ن	ا	ر	گ	■	ا
۶	ر	ش	ا	و	■	ی	ل	ی	ن	■	ب	ا	ر	و	ج
۷	س	ت	م	■	ب	و	ی	م	■	ر	ا	م	د	■	ن
۸	ا	ک	■	گ	ا	ف	س	ن	■	ن	ن	ی	■	ک	ش
۹	ل	■	ر	ا	ن	ا	■	ا	ف	ا	ی	■	م	ا	ی
۱۰	ه	ل	ا	ش	ک	■	ر	س	ی	م	■	ت	ف	ه	ن
۱۱	ن	■	ز	م	ر	■	ش	ی	ر	■	س	ر	ا	ن	■
۱۲	و	ت	■	ر	ا	ب	ی	ا	■	■	ه	ن	ا	د	پ
۱۳	ی	ق	ن	■	س	ی	د	■	و	ن	■	گ	ش	ه	ل
۱۴	س	■	ر	و	ا	■	ل	■	ن	ا	ب	ت	ر	چ	ا
۱۵	ی	■	ع	ا	ص	م	■	ر	ک	ا	ن	ک	د	و	ک